

سوالات درس دوم ریشه ها و شاخه های فلسفه

۱- دانش فلسفه دارای یک بخش و بخش فرعی است

۲- بخش اصلی فلسفه به منزله ی فلسفه است و بخش فرعی در حکم و هستند

۳- بخش اصلی فلسفه در صدد بررسی و بحث در مورد چه چیزی است توضیح دهید

۴- دو نمونه سوال که مربوط به بخش اصلی فلسفه است را بنویسید

۵- چرا در بخش اصلی فلسفه توانایی انسان در شناخت هستی را هم بررسی می کنند ؟

چون معرفت به وجود فرع بر امکان شناخت ان است یعنی ابتدا باید بررسی شود که آیا اصلاً انسان امکان و توانایی شناخت چیزی را دارد یا نه و بعد که این ثابت شد به دنبال شناخت وجود می رویم لذا معرفت پیدا کردن به وجود فرع است بر قبول امکان شناخت

۶- بخش اصلی و ریشه ای فلسفه شامل دو بخش است در مورد این دو بخش توضیح دهید ؟

۷- دو گزاره یا سوال که مربوط به وجود شناسی است را بنویسید

۸- دو گزاره یا سوال که مربوط به معرفت شناسی است را بنویسید ؟

۹- ان بخش از فلسفه که درباره ی قوانین کلی و عام حاکم بر هستی و وجود بحث می کند نام دارد

۱۰- ان بخش از فلسفه که درباره ی توانایی انسان در شناخت هستی را مطالعه می کند نام دارد

۱۱- شاخه های دانش فلسفه ان دسته از دانش های فلسفی هستند که چه چیزی را بیان می کنند توضیح دهید

۱۲- منظور از اصطلاح فلسفه ی مضاف چیست در مورد ان توضیح دهید ؟

۱۳- چرا در علم روان شناسی یک روان شناس به بعد مجرد انسان می پردازد و جایگاه ان را در رفتار و تربیت نشان می دهد ؟

جواب : چون در فلسفه و در بحث وجود شناسی قایل به این است که وجود یا مادی است یا مجرد از ماده و اگر روان شناسی این دیدگاه فلسفی را قبول داشته باشد در تبیین رفتار و تربیت انسان به این بعد هم می پردازد و همه ی رفتارهای انسان و تربیت او را از دریچه ی امور مادی نگاه نمی کند .

۱۴- ریشه ی فلسفه شامل و است و شاخه های فلسفه شامل است مانند

۱۵- هر رشته ی علمی دارای شاخه ای از فلسفه است که به ان گفته می شود و امروزه دامنه ی انها بسیار توسعه یافته است

ب- مبانی وزیر بناهای علوم در فلسفه های قرار دارد و آنچه در فلسفه ی پذیرفته می شود اساس و شالوده ی نظریات در علوم قرار می گیرد

۱۶- رابطه ی میان علوم و فلسفه های مضاف را بنویسید ؟ جواب سوال مورد ب ی نقطه چین است

۱۷- یک مورد از سوالاتی که در فلسفه ی علوم اجتماعی مطرح می شود را بنویسید ؟

۱۸- چرا عده ای در سیاست به لیبرالیسم قائلند و عده ای دیگر به سوسیالیسم

جواب: زیرا در فلسفه ی علوم اجتماعی دو دیدگاه نسبت به اجتماع و فرد وجود دارد دیدگاهی که قایل به اصالت فرد است و منافع فرد را بر منافع جامع مقدم می دارد این دیدگاه در سیاست به لیبرالیسم اعتقاد دارد که معتقد است که آزادی های فردی باید تامین شود

دیدگاه دوم در فلسفه ی علوم اجتماعی این است که جامعه اصالت دارد و منافع جمع را بر فرد ترجیح می دهد بر اساس این نگرش در سیاست هم اعتقاد دارند که باید منافع جمع تامین شود و لذا قایل به سوسیالیسم هستند

۲۰- موارد غلط را درست کنید و بگویید کدام گزینه ها درست هستند

- الف- دانش فلسفه دارای یک بخش اصلی و یک بخش فرعی است و بخش اصلی در حکم شاخه است
- ب- ان بخش از فلسفه که در مورد اصل و حقیقت وجود و مسایل پیرامون ان بحث می کند در واقع همان بخش اصلی و ریشه ای فلسفه است
- ج- بررسی احکام و قوانینی که مربوط به خود هستی و وجود است به ان هستی شناسی گفته می شود و مربوط به شاخه ها ی فلسفه است
- د- ان بخش از فلسفه که توانایی انسان در شناخت هستی را مورد مطالعه قرار می دهد را معرفت شناسی می گویند که از مباحث اصلی فلسفه است
- ه- دانش های فلسفی همان شاخه های فلسفی هستند که قوانین بنیادی وجود شناسی و معرفت شناسی را به محدوده های خاص منتقل می سازند
- و- فلسفه های مضاف همان بخش اصلی فلسفه است که با تامل فیلسوفانه در حوزه ی دانش های دیگر مانند اخلاق و دین و تاریخ و غیره شکل گرفته اند و هر رشته ی علمی می تواند فلسفه ی خود را نیز داشته باشد
- ز- نظریه های مطرح شده در فلسفه ی علوم اجتماعی پیرامون انسان و اجتماع سبب پیدایش سوسیالیسم و لیبرالیسم شده و این نشان دهنده تاثیر فلسفه بر سایر علوم است. (نکته ی کنکوری)
- ژ- دانشجویان علوم تربیتی با مکاتب تربیتی آشنا می شوند که متأثر از فیلسوفانی مانند کانت و هگل و مارکس و ارسطو و فارابی و غیره هستند
- ط- دیدگاه های ماورالطبیعی فیلسوفانی مانند افلاطون و ارسطو و غیره در هستی شناسی و انسان شناسی باعث به وجود آمدن مکاتب تربیتی بزرگی شده که متأثر از دیدگاه این فیلسوفان می باشد .
- ظ- بهتر است برای درک هر مکتب تربیتی ابتدا فلسفه ای که پشتوانه ی ان است مطالعه شود تا بتوانیم ان مکتب را به خوبی بفهمیم و ارزیابی درستی از ان مکتب تربیتی به دست آوریم